



شعر امروز



روزهای آخر آبان

پانته آ صفایی بروجنی



مرکز آفرینش‌های ادبی	
	روزهای آخر آبان
	شاعر: یانته‌آ صفایی بروجنی
طرح جلد: حمید ایلون	
چاپ، صحافی و لیتوگرافی: واژه پرداز اندیشه چاپ اول: ۱۳۹۰ شمارهگان: ۲۵۰۰ نسخه شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۷۵-۱۰۶-۶ قیمت: ۲۹۰۰ تومان	
نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.	
سرشناسه: صفایی بروجنی، یانته‌آ، ۱۳۵۹- عنوان و نام پدیدآور: روزهای آخر آبان / شاعر: یانته‌آ صفایی بروجنی؛ آبرای سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، مرکز آفرینش‌های ادبی، مشخصات نشر: تهران: انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۹. مشخصات ظاهری: ۸۸ ص. فروست: شعر امروز ISBN: 978 - 600 - 175 - 106 - 6	
وضعیت فهرست نویسی: قدیم موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴ شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، مرکز آفرینش‌های ادبی رده بندی کنگره: ۸۱۳۴/ق۳۵۷۹/۱۳۸۹ PIR رده بندی دیویی: ۸۵۱/۴۲ شماره کتابشناسی ملی: ۲۲۴۴۷۳۶	
نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان رشته پلاک ۲۳ صندوق پستی: ۱۱۴۴ - ۱۵۸۱۵ تلفن: ۶۶۴۷۷۰۰۱ تلفن مرکز پخش: (پنج خط) ۶۶۴۶۰۹۹۳ فکس: ۶۶۴۶۹۹۵۱ w w w . i r i c a p . c o m	

فهرست

- ۷ چون واکنی فرسوده در رامآهنی خالی
۹ تا پرده را پس می‌زند انگشت بی‌خوابی
۱۱ شب که برمی‌گردد از دریا به سمت خانمات
۱۳ چه شکل‌های غم‌انگیز می‌بهری دارند!
۱۵ عشقت به طوفان‌های بی‌هنگام می‌ماند
۱۷ بازیچه خود ساختی موی سیاهم را
۱۹ باران گرفتنی خیس کردی کیسوانم را
۲۱ این ماهیان رنگ وارنگی که در آبهاند
۲۳ وقتی مرا در جعبه پشتِ ویترین دیدی
۲۵ نگاهت طعم باران‌های بادآورده را دارد
۲۷ پیچیده است عطر نفس‌هایت ...
۲۹ ای پر از عطرِ تنت پیرهنِ لیووما!
۳۱ من؛ خاکِ سرزمینِ صبوری که هیچ وقت ...
۳۳ هر چقدر این روزها دستان من تنهاترند
۳۵ لب‌تشنه خوابیدند پای حوض گل‌لان‌ها
۳۷ دارد آن خلق و خوی ترکمنی ...
۳۸ با غرشی به کار می‌افتند پرها
۴۰ در سر خیال عشق‌های دیگری را هم ...

- ۴۲ به چله باز نشستم مرورِ خاطره را
۴۴ بگو کجا بروم؟ سر به شانه که بگیرم؟
۴۶ چون کوه سخت و ساکت و تنها ...
۴۸ بیل و کلنگ و ریشمُبر و گاواًمناند
۵۰ مانند باد بی خبر آمد به خانم
۵۲ من که آواره‌ترین ابر بهارم بی تو
۵۴ به چشم بستن و واگردنی خزان آمد
۵۶ شاخه یاس مرا هم که بریدی، که شکستی
۵۸ چشمها می‌خشکد و دریاچه خالی می‌شود
۵۹ پرندما همه خواباند صبح آدینمست
۶۱ طی می‌شود در وحشت پاییز بعد از تو
۶۳ آرام مهربان شده! چشمان او تر است!
۶۵ حالا پرندما همه روز پشت در
۶۷ اگر یکی — یکی از آن پرندما باشم
۶۹ درختها همه غریبان شدند، آبان شد
۷۱ نشست نیمه‌شب ابری سیاه بر دوشم
۷۳ من که آواره‌ترین ابر بهارم بی تو
۷۵ پیچیده در ملافای از تب سراپایم
۷۷ باران گرفتگی خیس کردی گیسوانم را
۷۹ برخیز تا پروانه‌ها از خواب برخیزند
۸۱ گفتم به باغ من نیاور باد و باران را!
۸۳ در دست من بگنار آن دستان تنها را
۸۵ اگر نسیم به آسانی از تو کرد جنایم
۸۷ لبخندهایت هر کدامش نوش‌دارویی است